

تأملی بر موقعیت ولایت "ارغیان" در خراسان

محمد حسن بهنام فر^۱

احمد نیک گفتار^۲

چکیده:

یکی از مناطقی که در اثر مناسبه‌های سیاسی حکومتها و تحولات تاریخی امروزه مغفول مانده است سرزمین کهن و ریشه دار ارغیان بوده است. وجود ارغیان در منابع اولیه از آغاز حضور اسلام در منطقه نشان از اهمیت و اعتبار آن است. کهنترین منابع، ارغیان را تابع نیشابور ذکر کرده اند و این بیان از آن دارد که احتمالاً ریشه های آن به قبل از اسلام برسد. هرچند نام ارغیان از قرون اولیه هجری تا دوره اخیر در منابع تاریخی آمده است اما از آنجا که این منطقه تابعی از کلان شهر نیشابور بوده، در درجه دوم اهمیت داشته و لذا از نگاه محققان و پژوهشگران مغفول مانده است. اینطور به نظر می رسد که تهاجمات اقوام مختلف به منطقه در پاره ای از برهه های تاریخی، ارغیان و بسیاری از مناطق را از رونق انداخته و این امر خود به خود از اعتبار آن کاسته است. در اثر تهاجمات مغول و تیمور به خوبی می بینیم که کلان شهر نیشابور به شهری متروکه و بی اهمیت تبدیل می شود، حال در این میان دیگر جایی برای ارغیان باقی نمی ماند. چه بسا که در دوره جانشینان تیمور یعنی شاهرخ به دلیل انتقال قدرت به هرات، ارغیان تابعی از هرات ذکر شده است و چنین می نماید که پس از این ارغیان تنها به منطقه گذرگاهی و مسیر ارتباطی تبدیل می شود، جایی که در قرون اولیه اسلامی مسند بزرگان و علمای علم حدیث و مکتب فقهای بزرگ منطقه بوده است. آمدن و رفتن حکومت‌های بعدی تا به امروز نتوانسته است اعتبار مجدد ارغیان را به آن باز گرداند. ما تنها با بررسی گزارشات ارائه شده در دوره های مختلف تاریخی، ولایت ارغیان را مشخص کرده و اهمیت و اعتبار آن را به یاد می آوریم.

واژگان کلیدی: خراسان، ارغیان، موقعیت تاریخی، بام و صفی آباد.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران

^۲ کارشناسی ارشد باستانشناسی دانشگاه تهران

ارغیان برای خراسان واژه غریب و مهجوری نیست؛ ارغیان اگرچه به مانند شهر کهن خود در زیر تلی از فراموشی پنهان گشته است اما زمانی که سخن از بلخ، هرات و مرو می شده است؛ ارغیان هم در کنار نیشابور معرف تمدن اصیل و فراموش نشدنی خراسان بزرگ بوده است.

هرچند امروزه موقعیت دقیق شهر ارغیان مشخص نیست؛ اما این به آن معنا نیست که چنین منطقه ای وجود نداشته و یا به منطقه ای دیگر اطلاق بشود.

در واقع ارغیان نه جاجرم، نه نیشابور و نه سبزوار بوده است، بلکه ارغیان فقط ارغیان بوده است و هیچ کدام از اینها نیست.

اطلاعات داده شده در مورد ارغیان مشوش و مبهم است اینطور به نظر میرسد که مولفان و نویسندگان منابع این نام را بر اساس شنیده ها آورده باشند و بر این مبنا به ارائه تصویر فرضی از منطقه پرداخته اند؛ و یا اینکه سیاحان و جهانگردانی که خود به مشاهده مناطق پرداخته بودند؛ آگاهی کافی از منطقه فوق نداشته و به اصطلاح بومی نبوده اند؛ بر این اساس منطقه ارغیان در نوشته های جهانگردان به صورت مبهم آمده است و حتی کسانی چون اسپونر و گای لسترنج آنرا به اشتباه به محدوده جاجرم نسبت داده اند.

ارغیان در قرون اولیه اسلامی:

قدیمی ترین سند موجود که تاکنون باقی مانده واز "ارغیان" نام می برد کتاب فتوح البلدان بلاذری است. فتوح البلدان از مهمترین منابع تاریخ فتوحات عرب به شمار می رود. احمد بن یحیی بلاذری (۲۷۹ ه.ق) از مورخان قرن سوم هجری است، که فتح ارغیان را در سال ۳۱ هجری در زمان حکومت عثمان بن عفان به دست عبدالله بن عامر می داند و او همچنین ارغیان را تابع نیشابور ذکر کرده است (بلاذری؛ ۱۳۶۴: ۱۵۹). از گزارش بلاذری می توان چنین استنباط کرد که ارغیان قبل از اسلام یکی از ولایت های مهم نیشابور بوده و حتی در اوایل اسلام هم هنوز اعتبار و اهمیت خود را حفظ کرده تا آنجا که مسلمانان در همان سالهای اولیه به دنبال فتح و حضور در این منطقه بودند.

در قرن سوم هجری احدبن عمر بن رسته (۲۹۰ ه.ق) از جغرافیدانان بنام ایرانی در اثر ارزشمند خود که دایره المعارفی است، موسوم به "اعلاق النفیسه"، ارغیان را یکی از ۱۳ روستای تابع نیشابور دانسته و چنین می آورد: «نیشابور دارای شهرهای است که از آن جمله می توان: زام، باخزر، جوین و بیهق را نام برد. نیشابور دارای ۱۳ روستا و چهار ربع می باشد. روستاهای آن عبارتند از: استوا، ارغیان، اسفراین، جوین، بیهق، پشت، رخ، باخزر، زام، زوزن، اشبند، خواف و اباع آن تکاب، پشت فروش، مازل.» (ابن رسته اصفهانی؛ ۱۳۶۵: ۲۰۰)

تقریباً کمی بعد از ابن رسته در قرون سوم و چهارم هجری حاکم نیشابوری از ۱۳ روستای که ابن رسته به نیشابور نسبت داده، وی از آنها به عنوان ولایت های نیشابور یاد کرده که تعداد آنها را ۱۲ قلمداد کرده که عبارتند از: بیهق، جوین، اسفراین، خوشان (استوا)، ارغیان، پشت، رخ، زوزن، خواف، ازقند، جام و باخزر، جاجرم و می نویسد منظور از ولایت آن است (نیشابوری؛ ۱۳۳۹: ۲۱۵-۲۱۷) که طول و عرض آن باید کمتر از بیست و پنج یا سی فرسخ^۱ کمتر نباشد و در آن قری و قنوات و باغات و عمارات باشد و از ارغیان به صورت یک ولایت که به کثرت علما و کبار مشهور می باشد، یاد کرده است. (همان، ص ۲۱۵). و بعضی از علمای بزرگ از جمله ابواحمد ارغیانی، عمران بن موسی، محمد بن المسیب، هارون بن عمران و عامر بن شعیب را به این ولایت نسبت داده است (همان: ۹۳، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۰۴).

ارغیان در قرون میانه:

قرن پنجم هجری که همزمان با روی کار آمدن سلجوقیان در ایران است، عبدالغافر فارسی که یکی از مورخین مشهور این دوره محسوب می شود، در کتاب "السیاق" از اسفنج، بان و راونیر نام می برد که از قرای ارغیان اند. (طاهری؛ ۱۳۸۵: ۱۲) سمعانی (۶۱۶-۵۶۲ ه.ق) دانشمندی جهانگرد که در طی مسافرت های خود با علما و محدثان بسیار ملاقات کرده است، در اثر ارزشمند خود ضمن معرفی مناطق مختلف، شرح حال بیش از چهار هزار نفر از بزرگان علم و ادب و دین را آورده است. سمعانی از آنجا که خود

^۱ هر فرسخ معادل ۶ کیلومتر است.

متولد مرو بوده، بدون شک از منطقه ی ارغیان دیدن کرده و در توصیف آن می نویسد: « ارغیان ناحیه ای از نواحی نیشابور می باشد که مشتمل بر چندین قریه مانند سبنج، بان راونیر و غیره است که روستاهای آن به دلیل جماعتی از اهل علم که به آنجا نسبت می دهند، شناخته شده است و الحاکم ابوالفتح سهل بن علی بن احمد (بن علی بن احمد) بن الحسن الارغیانی از قریه بان است» (سمعانی؛ ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۶۷-۱۶۸)

از دانشمندان دیگر که اندکی بعد از سماعی در مورد ارغیان گزارش ارائه کرده و احتمالاً خود از منطقه دیدن نکرده شمس الدین دمشقی می باشد او در کتاب "نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر" آورده است: «از شهر های نیشابور، شهرستان را می توان نام برد که از بناهای عبدالله پسر طاهر است؛ دیگر سرزمین های باخزر بالین و غیان است که سرزمین غیان را چنان که سماعی گفته است، ارغیان نیز می خوانند همه ی این سرزمینها بسیار پر فایده و حاصلخیزند» (دمشقی؛ ۱۳۵۶: ۳۵۰)

یاقوت حموی که مقارن با حملات مغول میزیست و کتاب معجم البلدان را چند سال قبل از حمله ی مغولان تدوین کرده است، درباره ارغیان می نویسد: (ارغیان) کوره ای از نواحی نیشابور و مشتمل بر هفتاد یک قریه که قصبه آن راونیر است. (حموی؛ ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۵۳)

مطالبی را که یاقوت درباره ارغیان ذکر کرده، لطفی الدین عبدالمومن بن عبدالحق البغدادی در کتاب مرصدالاطلاع بدون هیچگونه تغییر آورده است. (البغدادی؛ ۱۳۷۳: ۲۸۶).

حال باتوجه به گزارشاتی که به صورت پراکنده از لابلای منابع مختلف جمع آوری گشت، می توان چنین استنباط کرد که ارغیان تاحمله مغول یکی از ولایت های معروف که تابع نیشابور بوده و از لحاظ موقعیت در جنوب قوچان قرار داشته و حدود ۷۱ قریه را شامل می شده است. از این تعداد روستای ذکر شده مهمترین روستاهای آن که به دلیل داشتن مشاهیر و رجال شهرت عام داشته اند؛ بان، اسفنج، راونیر می باشد. وقصبه ارغیان طبق گفته مورخین راونیر(راونیج، راونیز) نام داشته است و این ولایت کاملاً از جاجرم و اسفراین جدا بوده است.

ارغیان و حملات مغول:

از آنجا که ولایت ارغیان همزمان با حملات ویرانگر مغول، یکی از توابع نیشابور محسوب می‌شده، می‌توان چنین پنداشت که ارغیان هم، از آماج تاخت و تازهای مغولان بی‌نصیب نبوده، چرا که نیشابور از جمله شهرهایی بوده که تخریبات بسیاری را متحمل شده است. هرچند ما گزارش مستقلی از حضور مغولان در ارغیان نداریم، اما ارغیان در این دوره همانند دیگر ولایات خراسان بزرگ از اعتبار می‌افتد و تا زمانی که ثبات نسبی در منطقه برقرار می‌گردد، گزارشات مورخان بیشتر حول حملات مغول و مسایل مربوط به آن است و این طبیعی است که دیگر جایی برای مناطق ویران شده ای چون ارغیان نمی‌ماند.

تقریباً در اواخر حکومت ایلخانی است که فخر بناکتی (۷۳۰ ه.ق) از مورخان بنام دوره ی غازان، اولجایتو و ابوسعید در اثر ارزشمند خود " تاریخ بناکتی " گزارشی از ارغیان دارد، که گویا این بخش از گزارشات وی اقتباس شده از " جامع التواریخ " خواجه رشید الدین فضل الله است. در سال ۶۳۰ هجری حکمرانی خراسان به جنتیمور از سوی اوکتای قان داده می‌شود و ملک اسفراین، جوین، بیهق، جاجرم، خورند و ارغیان هریک به پانزده یرلیغ به ملک بهالدین واگذار می‌شود (بناکتی؛ ۱۳۴۸: ۳۸۶)

در زمان غازان خان در سال ۶۸۳ هجری چند نوبت جنگ سختی بین غازان و نوروز در نواحی نیشابور، جوین، اسفراین و ارغیان و جاجرم صورت گرفت که در این جنگ‌ها پی‌درپی دهات و مزارع از بین رفته است که گزارش آن در کتاب تاریخ مبارک غزانی چنین آمده است: « که غازان به اتفاق امیران که در رکاب وی بودند در اواخر سنه تسعین و ستمائه و آخرروز به نزدیک طوس بر لشکریان یاغی افتاد و جنگ کردند و دیگر روز کوچ کردند و در سلطان میدان فرود آمدند و از آنجا نورین آقا و قتلغ شاه و سوتای در بندگی بودند و به راه ارغیان حرکت فرمود و از آنجا گذشته به دیه کسرغ^۱ از آبادیهای اسفراین فرود آمد. پس از آن که خبر رسید در هزاره افرادی یاغی شدند و ربات همایون

^۱ کسرغ دهی از دهستان روئین در شمال روستای آجقان و غرب شهر اسفراین است و در کنار آن بقایای از یک قلعه قدیمی قرار دارد.

به جورید^۱ رفته و یاغیان فرار از آنجا به جاجرم فرود آمد» (خواجه رشیدالدین؛ ۱۳۵۸: ۲۷-۲۸)

باتوجه به مطالب فوق به طور قطع می توان گفت که ارغیان، منطقه ای مستقل و دارای اعتبار و اهمیت بوده است. اگرچه گاهی از ولایتهای کلان شهر نیشابور از آن یاد می شده است، اما بر خلاف عقیده ی غالب که امروزه آنرا جزء جاجرم نسبت می دهند، چنین نبوده و تا قبل از هجوم مغول می توان آنرا یکی از مناطق تاریخی خراسان بزرگ قلمداد کرد، حتی اگر به لحاظ جغرافیایی حدود آنرا در نظر بیاوریم، باز هم با آنچه جاجرم امروزه خوانده می شود، فاصله بسیاری دارد. یعنی ارغیان، منطقه ای مابین نیشابور و اسفراین قرار داشته؛ تقریباً جایی که امروزه به آن بام و صفی آباد اطلاق می شود. (در ادامه چرخش ارغیان به بام و صفی آباد در متون تاریخی ارائه می گردد).

آنچه در اینجا اهمیت دارد آثار سیاحان و جهانگردان خارجی است. گای لسترنج و اسپونر (1965, pp22, sponer) در آثار خود برای اولین بار ارغیان را به جاجرم نسبت داده اند و این ملاکی شده برای محققان بعدی، بدون اینکه پیشینه تاریخی آن بررسی شود. چنین به نظر می آید جهانگردانی چون گای لسترنج و اسپونر و ابن خود به طور دقیق با منطقه آشنا نبوده و حدود تقریبی آنرا به جاجرم و سلطان آباد نسبت داده اند و یا اینکه منبعی که از آن اطلاعات کسب کرده اند، دقیق نبوده، وگرنه دلیل خاصی پیدا نمی شود که ارغیان را به محدوده جاجرم نسبت داد.

در حدود سال (۷۸۲ هـ.ق) زمانی که تیمور به اسفراین حمله کرد پس از تخریب شهر در هنگام بازگشت به سمرقند برای نیرو گرفتن چهارپایان در مرزهای ولایت جهان وارغیان چند روزی توقف کرده و در همین زمان حاکمان این ولایت را از بین برد. (نطنزی، ۱۳۷۳، ص ۲۴۰)

در سال ۸۲۳ هـ بایسنقر بهادرخان درروز چهارشنبه بیست وسوم رمضان از نیشابور حرکت کرده به پنج گرد نزل آمده و پنج شنبه به اندلان و جمعه به حدود جهان

^۱ جورید یکی از قرای اسفراین بوده که در سال ۲۳۹ هـق ابوبکر جوریدی از رجال معروف در این روستا متولد شد.

ارغیان و شنبه به قریه رونیز^۱ و یکشنبه به قاسمی^۲ و دوشنبه به کروژده^۳ و سه شنبه به بحر اباد و زیارت شیخ الاسلام سعدالمله والدین محمدالحموی دریافته و روز چهارشنبه سلخ رمضان به قریه خدایه جوین نزول آمد. (خافی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۰۹۲) در سال ۸۳۳ حافظ ابرو که خود احتمالاً از منطقه جهان وارغیان گذر کرده برای این ولایت ۱۲ قریه ذکر کرده که عبارتند از: قریه روئین^۴ و توابع، قریه اردین^۵ و توابع، قریه دستجرد^۶ و توابع، قریه کاریزدر^۷، قریه بکر اباد^۸، قریه نهامود^۹، قریه جهان^{۱۰} و توابع، قریه بان^{۱۱} و توابع، قریه اسفنج^{۱۲} و توابع، قریه خرق^{۱۳} و توابع، قریه کرد، قریه سی و توابع، بیرون از این قری مزارع بسیار دارد. (حافظ ابرو، ۱۳۷۰، ص ۷۱) از این تعداد قریه ای که او نام برده هنوز ده عدد به همان نام تا به امروز باقی مانده که دو عدد از آنها مانند روئین و خرق جزء شهرهای مجاور از جمله اسفراین و فاروج قرار گرفته است. از نوشته های خوافی چنین استنباط میشود ولایت جهان وارغیان همان ارغیان قبل از دوره تیموری

^۱ احتمالاً همان روانیز است که امروزه در شمال صفی اباد رباطی به همین نام باقی مانده است.

^۲ احتمالاً همان قلعه قاسم خان است و امروزه در شمال شرقی روستای قاسم خان قرار دارد و هم راستا با روانیز است.

^۳ امروزه به صورت یک قلعه خرابه معروف به کروژده در دهستان زرق آباد قرار دارد.

^۴ RŪĪN دهی از دهستان روئین و در ۲۱ کیلومتری شمال شهر اسفراین و در یک منطقه کوهستانی و سردسیر قرار دارد.

^۵ ARDIN دهی از دهستان بام است شیخ حسین شکرانی معتقد است نام روستا لغت اوستای و در اصل اردآئین بوده است.

^۶ DASTJERD دهی از دهستان بام که در جنوب غربی روستای بام در ۴۳ کیلومتری شمال غرب صفی آباد قرار دارد.

^۷ دهی از دهستان بام که در جنوب غربی روستای بام در ۴۴ کیلومتری شمال غرب صفی آباد قرار دارد.

^۸ BEKRĀBĀD دهی از دهستان بام که در غرب بام و در ۴۵ کیلومتری شمال غرب صفی آباد قرار دارد.

^۹ این قریه احتمالاً همان محوطه داشخانه می باشد و در کنار آن رودخانه نهاجرد قرار دارد.

^{۱۰} JAHAN دهی از دهستان بام که در غرب بام و در ۵۱ کیلومتری شمال غرب صفی آباد قرار دارد.

^{۱۱} خرابه های آن امروزه معروف به قلعه کهنه بام می باشد که در ۳ کیلومتری شمال غرب بام قرار دارد.

^{۱۲} امروزه به آن دشت اسفنج می گویند و محوطه باستانی قلعه گورکنن احتمالاً همان اسفنج است که در جنوب بام قرار دارد.

^{۱۳} روستای از توابع فاروج.

است چون او از روستای بان ، اسفنج نام برده که در منابع قرون سوم تا هفتم هجری جزو ولایت ارغیان شمرده می شده است.

در اواخر دوره تیموری (۸۹۹ هـ) معین الدین محمد الزمعی الاسفزاری جهان وارغیان را از ولایات تابع هرات ذکر کرده و به گفته خودش به دلیل طولانی شدن کتابش از شرح جزئیات آن دوری جسته است. (الزمعی الاسفزاری، ۱۳۸۰، ص ۲۷۷) از آنجا که اسفزاری خود در حلقه ی علما و دانشمندان هرات بوده و به نامه های دولتی دسترسی داشته است، اطلاعات مفیدی درباره ی هرات و سایر بلاد خراسان قدیم ارئه می دهد، اما از اینکه وی ارغیان را تابع هرات ذکر کرده نکته ای مهم و قابل توجه استنباط می شود:

بعد از حملات ویرانگر مغول مراکز علمی و فرهنگی خراسان تبدیل به ویرانه شدند، از جمله آنها نیشابور بوده است، یعنی ابر شهری که ریشه در دوران باستان داشت. با روی کار آمدن تیموریان و توجه به هرات رفته رفته، هرات تبدیل به مرکزی فرهنگی می شود. در این میان می توان چنین گفت، نقشی که نیشابور در دوره های گذشته ایفا می کرد، اکنون به هرات انتقال داده شده است، در این صورت است که ارغیان از مناطق مهم خراسان بزرگ، که قبلا از ولایات نیشابور محسوب می شده ، در دوره ی تیموری جزو ولایات هرات به حساب آید. گزارش اسفزاری موید این مطلب است.

نکته ی بعدی این است که تا اواخر دوره ایلخانی نام ارغیان به کرار یاد شده ولی از زمان تیموریان ارغیان به جهان وارغیان مبدل گردیده است و مشخص نیست که به چه دلیل در نامگذاری این ناحیه یک تغییر اندکی صورت گرفته و از جهان وارغیان یاد شده است. و شاید یکی از احتمالات در این تغییر نام به دلیل توقف تیمور در مرزهای روستای جهان که یکی از بزرگترین مرزهای شرق اسفراین است و ارجعیت دادن این روستا از لحاظ سرسبزی نسبت به دیگر روستاها ی ارغیان، باشد.

دردوره صفویه درنام ولایت جهان و ارغیان یک تغییر اندکی صورت می گیرد و آن حذف «و» می باشد و به صورت ولایت جهان ارغیان یاد می شود ولی از لحاظ سیاسی این ولایت نیز مانند شهر اسفراین محل تاخت تاز ازبک ها قرار می گیرد و صدمات جبران ناپذیری می بیند . دراین دوره برای اولین بار از نام "بام" صحبت به میان می آید

که، "بام" به نظر می‌رسد پس از نابودی قریه بان که تا اواخر دوره تیموری از قرای معروف ارغیان به شمار می‌رفت و امروزه ویرانه‌های آن به کهنه بام یا بان معروف است، اطلاق می‌شده است.

در سال ۹۴۸ هـ، آقا کمال وزیرکل خراسان می‌شود و او بعد از ممیزی تربت خراسان، ممیزی جهان ارغیان و کلیدر و سرکار معدن رابه بوداق قزوینی واگذاری کند(نطنزی، ۱۳۷۳، ص ۵۸۶). در سال ۹۷۷ هـ زمانی که شاه تهماسب در النگ بسطام خیمه زده بود به فرهادخان و امرای منطقه دستور داد که برای راندن ازبک‌ها برای مشهد معلی حرکت کنند و زمانی که فرهادخان به ولایت جهان ارغیان رسیدند پیکی خوش‌خبر از مشهد مقدس رسید و مژده داد که عبدالمومن خان کشته شده است آنها از این منطقه برگشتند. (میرنیا، ۱۳۶۹، ص ۳۷-۳۸؛ طاهری، ۱۳۸۵، ص ۱۶). این مطلب بیانگر آن است که در این دوره هنوز جهان ارغیان مورد نظر پادشاهان بوده و به عنوان منطقه‌ای جغرافیایی از آن نام برده می‌شده است. در لشکرکشی شاه عباس صفوی به سال ۱۰۰۱ هـ به خراسان ولایت جهان ارغیان نیز تصرف شد و به نوشته عالم‌آرای عباسی شاهقلی سلطان قمری حاکم جهان ارغیان گردید. (نیک‌گفتار، ۱۳۸۷، ص ۳۶)

اما پس از بازگشت شاه عباس، عبدالله خان ازبک و پسرش عبدالمومن به شهرهای خراسان از جمله ولایت جهان ارغیان حمله کرده آنجا را تخریب و قتل‌عام کردند. شاه عباس در سال ۱۰۱۲ هـ پس از بازگشت از مشهد عازم جهان ارغیان و بام شد. (منجم، ملاجلال، ۱۳۶۶، ص ۲۴۰) در سال ۱۰۱۳ هـ روشن سلطان مکرری حاکم جهان ارغیان با جمعی از قورچیان و غلامان که برای شاه عباس دولت‌پناهی کرده بودند به درگاه او جمع شده بودند. (قزوینی، ۱۳۶۴، ص ۴۷۳)

اما پس از دوره صفویه یعنی در دوره افشاریه، اطلاعات چندانی از ولایت جهان ارغیان در دست نیست و به نظر می‌رسد ولایت جهان ارغیان که مرکز آن را ونیز ذکر شده، در منابع کم‌رنگ‌تر می‌شود و به جای آن از بام وصفی آباد صحبت به میان می‌آید. مهمترین رویداد در محدوده جهان ارغیان گرفتاری نادرشاه در سیلاب عظیم در شرق اسفراین در دره گرایلی می‌باشد که بهترین گزارش این حادثه را میرزا مهدی استرآبادی در کتاب عالم‌آرای نادری آورده است. (مروی؛ ۱۳۶۴، جلد دوم، ص ۸۳۴-۸۳۳).

اما از زمان قاجاریه نقش بام وصفی آباد در صحنه تاریخ پررنگ تر می شود و هر کدام دارای حاکم جداگانه می باشند و از این زمان است که نام جهان ارغیان کهنه و فرسوده شده و بر غبار فراموشی سپرده می شود و تنها نام آن در سینه مردم به صورت مبهم که گاهی به روستای جهان^۱ و کوههای آن کوههای جهان ارغیان (بیت ، ۱۳۶۵، ص ۳۴۵) و گاه برویرانه های نوروز تپه اطلاق می شود .

در این زمان خاندان بغایری، حاکمیت منطقه را در دست دارند و بر بام و صفی آباد حکومت می کنند. میتوان این دوره را دوره بغایریها اطلاق کرد. اما بیشتر یک حکومت محلی بوده است.

از گزارشات ارائه شده می توان چنین دریافت که هر چند بام و صفی آباد دو منطقه ی تفکیک شده محسوب می شده است، اما چه به لحاظ جغرافیایی و چه به لحاظ تاریخی، اختلاف چندانی نداشته و چنین نبوده که بین آنها فضای رقابتی حاکم باشد. حوزه ی بام و صفی آباد در کل یک حوزه ی خاص را شامل می شده است و در دوره قاجاری تفکیک آنها ملموس نیست.

به طور کلی این منطقه در این دوره به جهت مسیر ارتباطی سبزوار به قوچان و مشهد، اهمیت خاصی داشته و مورد توجه بوده اما با این وجود اعتبار دوره های اولیه را نداشته است.

نتیجه گیری:

یکی از مهمترین ولایت های نیشابور که در متون اولیه از آن نام برده شده، ولایت ارغیان است. قدیمی ترین نوشته در مورد ولایت ارغیان مربوط به قرون اولیه اسلامی است. این نام تا قرن هفتم به منطقه ای از توابع نیشابور اطلاق می شده که معروفترین روستاهای آن بان، اسفنج، راونسر و مرکز آن راونیز بوده است اما به دلایل نامعلوم از دوره تیموری از ولایت ارغیان به نام جهان وارغیان صحبت می شود. و لی از لحاظ موقعیت هیچ تغییری نمی کند چون در توصیف ولایت جهان وارغیان که حافظ ابرو از آن یاد کرده، درست همان ارغیان قبل از دوره مغول است، چون مهمترین روستاهای آن قبل از مغول

^۱ و امروزه در بام روستای به نام جهان وجود دارد که مردم آن اعتقاد دارند جهان ارغیان نام قدیم روستای آنهاست.

به نام بان، اسفنج و راونیز بوده او هم آنها را با چند قریه دیگر به ولایت جهان وارغیان نسبت داده که گویای یکی بودن این دو محدوده می باشد. ولایت ارغیان در دوره صفویه همانند شهر اسفراین محل تاخت تاز ازبک ها قرار گرفته که در این دوره از طرف حکومت مرکزی دارای حاکمان محلی بوده است. ولی از دوره نادرشاه با ساخته شدن شهر جدید صفی آباد، ولایت جهان ارغیان که مرکز آن راونیز بوده جایگاه خود را از دست داده و به صورت یک ویرانه باقی می ماند که بقایای آن را در یک کیلومتری شمال صفی آباد می توان مشاهده کرد و بان هم که یکی از قرای معروف ارغیان بود تغییر نام داده و به بام معروف می گردد که در دوره قاجاریه محل اسکان ترکان بغایری معروف بوده واز سال ۱۳۳۹ منطقه بام وصفی آباد به صورت یکی از دو بخش اسفراین محسوب می گردند.



منابع:

- ابن رسته اصفهانی، احمد بن عمر، (۱۳۶۵) الاعق النفیسه، ترجمه حسین قره چانلو، چاپ اول، تهران، انتشارات امیر کبیر
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، (۱۳۶۸) مرآة البلدان، به تصحیح دکتر عبدالحسین نوائی و میر هاشم محدث، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، (۱۳۶۷) تاریخ منتظم ناصری (جلد سوم) به تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی، چاپ اول، انتشارات دنیای کتاب
- بلازری، احمد بن یحیی، (۱۳۶۴) فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش اذرنوش، چاپ دوم، تهران، انتشارات سروش
- البغدادی، لصفی الدین عبدالمومن بن عبدالحق، (۱۳۷۳) مرصداالاطلاع، تصحیح و تعلیق: علی محمد البجاوی، دارالحیاء اکتب العربیه، الطبع الاولی
- بناکتی، فخرالدین ابو سلیمان، (۱۳۴۸) تاریخ بناکتی، ترجمه جعفر شعار، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی
- توحیدی، کلیم الله، (۱۳۷۴) اسفراين: دیروز، امروز، انتشارات واقفی، مشهد
- حموی بغدادی، یاقوت، (۱۳۸۰) معجم البلدان، ترجمه علینقی منزوی، ج ۱، بخش نخست، چاپ اول، سازمان میراث فرهنگی تهران
- خافی، فصیحی، (۱۳۸۶) مجمل فصیحی، ج ۳، تصحیح و تحقیق محسن ناحی نصرآبادی، چاپ اول، انتشارات اساطیر، تهران
- خواجه رشیدالدین، (۱۳۵۸ هجری / ۱۹۴۰ م) تاریخ مبارک غزانی، به سعی و اهتمام و تصحیح کارل یان، انگلستان
- دمشقی، شمس الدین، (۱۳۵۶) نجه الدهر فی عجائب البر و البحر، ترجمه ی دکتر سید حمیدطیبیان: چاپ اول، انتشارات اساطیر
- الزمجی الاسفزاری معین الدین محمد، (۱۳۸۰ هـ) روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، مقدمه و حواشی به سعی و اهتمام محمد اسحاق، دانشگاه کلکته

سمعانی، عبدالکریم بن محمد بن منصور التمیمی، (۱۳۸۲ هـ ق/۱۹۶۲ م) الا نساب، ج ۱، تصحیح و تعلیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، تحت مراقبه الدكتور محمد عبدالمعید خان، الطبعة الأولى، بمطبعة دائرة المعارف العثمانية حیدر آباد دکن الہند شہاب الدین عبداللہ خوافی حافظ ابرو، (۱۳۷۰) جغرافیای خراسان در تاریخ حافظ ابرو، تصحیح و تعلیق دکتر غلامرضا ورہام، چاپ اول، نشر اطلاعات طاہری، علی اصغر، (۱۳۸۵) جہان ارغیان تا بام و صفی آباد، چاپ اول، تہران انتشارات ایران جوان،

قزوینی، میرزا محمد طاهر، تاریخ جہان آرای عباسی، اراک، داوری: ۱۳۲۹ مروی وزیر مرو، محمد کاظم، (۱۳۶۴) عالم آرای نادری، جلد دوم، بہ تصحیح و با مقدمہ و حواشی محمد امین ریاحی و مقدمہ میکلوخو ماکلاوی خاور شناس روس، ترجمہ دکتر عنایت اللہ رضا، چاپ اول، تہران: انتشارات زوار منجم، ملاجلال، (۱۳۶۶) تاریخ عباسی یا روزنامہ ملاجلال، بکوشش سیف اللہ وحید نیا، چاپ اول. بی جا

میرنیا، سید علی، (۱۳۶۹) پژوهشی در شناخت ایل‌ها و طایفہ ہای عشایری خراسان، چاپ اول، مشہد، موسسہ انتشاراتی و آموزشی نسل نطنزی، محمود بن ہدایت اللہ افوشنہ ای، (۱۳۷۳) نقاۃ الاثار، تہران: انتشارات علمی و فرہنگی

نطنزی، معین الدین، (۱۳۸۳) منتخب التواریخ معینی، بہ اہتمام پروین استخری، چاپ اول، تہران، انتشارات اساطیر

نیشابوری، الحاکم، (۱۳۳۹) تاریخ نیشابوری، بہ سعی و کوشش دکتر بہمن کریمی، چاپ اول، تہران، نشر کتابخانہ ابن سینا

نیک گفتار، احمد، (۱۳۸۷) جغرافیای تاریخی ارغیان، چاپ اول، مشہد: انتشارات کپہان اندیشہ

ہوشیار، محمد مہدی، (۱۳۷۹) تحلیل الگوی تقسیمات کشوری شمال خراسان نمونہ: شہرستان اسفراین، پایان نامہ کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس:

بیت، کلنل چارلز ادوارد، (۱۳۶۵) سفرنامه سیستان و خراسان، ترجمه قدرت الله روشنی
زعفرانلو - مهرداد رهبری، چاپ اول، انتشارات یزدان
sponer , brian, ARGHIYAN The area of Jajarm in western
Khurasan , IranIII, vol II, ,1965
Sykes ,p.m.,Geographical journal , vol.37,no.1.(jan.,1911),



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی